

بسمه تعالی

بررسی مفهوم برکت در آیات و روایات

چکیده:

از مهم-ترین خواسته-های بشر « خیر » و « برکت » است که همه-ی انسان-ها با هر عقیده و اندیشه-ی دینی خواستار این دو در زندگی خویش هستند و در محاورات روزمره-ی خودشان از این کلمات « خیر و برکت » استفاده می-کنند.

در این تحقیق سعی شده است با بررسی اجمالی مفهوم برکت در آیات و روایات، اهمیت و ضرورت برکت و اسباب و عوامل آن از دیدگاه قرآن و روایات و در زندگی ما انسان-ها بررسی شود. این تحقیق شامل سه بخش می-باشد و هر بخش آن دارای دو فصل است. بخش اول آن بعد از کلیات، به بحث مفهوم-شناسی درباره-ی دو کلمه « خیر و برکت » پرداخته است و کلمات خیر و برکت را در لغت و اصطلاح تعریف کرده -ایم.

و در بخش دوم آن به بیان این مطلب پرداخته که منشأ و سرآغاز همه-ی خیرات و برکات در نظام آفرینش، خداوند متعال است و همه-ی آفریده-ها چه بدانند و چه ندانند و چه بخواهند و چه نخواهند، به اندازه-ی ظرفیت و شایستگی خود از برکات الهی برخوردار می-شوند و همچنین ورود برکت به زندگی انسان به عواملی بستگی دارد (چه مادی چه معنوی) که این دو مقوله با هم در ارتباط هستند و جدای از هم نیستند. علاوه بر این برکت مصادیق فراوانی دارد که ما به چند مورد مهم آن در این بخش اشاره کرده -ایم.

در بخش سوم آن به بررسی عوامل برکت زا (چه مادی، چه معنوی) و برکت-زدا پرداخته-شده است این-که انسان می-تواند با انجام ندادن بعضی از اعمال و رفتار، موجب افزایش روزی خود و خانواده -اش شود و با انجام دادن بعضی دیگر از اعمال و رفتار موجب کاهش روزی خود شود. امید است که همه-ی ما انسان-ها از برکت-ها و موهبت-های الهی برخوردار شویم.

کلید واژه-ها: برکت، وسعت، مبارک، خیر، رحمت، قرآن، فضل.

مقدمه :

الحمد لله رب العالمين، والصلاه و السلام على عبده المصطفى محمد وآله الطاهرين و أصحابه الخيار الميامين.

از مهم-ترین خواسته-های بشر، « خیر » و « برکت » است که همه-ی انسان-ها با هر عقیده و اندیشه-ی دینی، خواستار آن دو در زندگی خویش-اند و در محاورات روزمره-ی خودشان از کلمه-ی مبارک و مشتقات آن به طور فراوان استفاده می-کنند و همواره در پی فراهم آوردن زمینه-های پیدایش آن-ها و رفع موانع تحقق آن-ها هستند. ما در زندگی روزمره و محاورات عامه خود می-گوییم: عیدتان مبارک! تولدتان مبارک! رزق و روزیتان مبارک و پربرکت باشد! و یا این که می-گوییم: قرآن مبارک است! و یا این که شب قدر مبارک است! و یا این که امروز مبارک است! و از این قبیل استعمالات، که سعی شده به آن-ها پاسخ داده شود.

۱-۱-۱- معنای اسمی و وصفی « خیر »

کلمات « خیر » و « شر » گاه در معنای اسمی (به معنای نیکی)، و گاه در معنای وصفی (به معنای نیکوکارتر و نیک-تر) به کار رفته اند، [۱] مانند: « مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَاتٍ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا » [۲] « هیچ آیه-ای را نسخ نمی-کنیم یا از یاد نمی-بریم مگر آن-که بهتر از آن را می-آوریم » در صورت دوم، « خیر » معنای تفضیلی دارد. گفتنی است که «خیر» و « شر » به معنای اسمی، گاه به معنای کار خوب و بد به کار می-روند و گاه نیز به معنای پدیده-ی خوب و بد استعمال می-شوند، چنان که در تفسیر « خیر » به صحت و ثروت و به « شر » به بیماری و فقر، چنین است و دیگر این-که از دیدگاه متون اسلامی، « خیر » به معنای نخستش که همان ارزش-های اعتقادی، اخلاقی، و عملی است که مقدمه-ی خیر دنیا و آخرت به معنای دوم است و این-که در لغت « خیر » ضد « شر است و « خیر » به معنای « جود (بخشنده‌گی) » است. [۳] کلمه-ی « خیر، خَارَ يَخِيرُ، خَيْرًا » به معنای دارای مال شد، دارای خیر و نعمت شد و یا دارای خیر و برکت شد می-باشد. [۴]

علاوه بر این معانی دیگری برای کلمه خیر آمده است :

مده است: ۱- نیکی، خوبی (مقابل شر) ۲- شیء مرغوب و سودمند یا دل-پسند ۳- نیکوکار، نیک، شایسته، خوب (صفت و مخفف « خَيْر ») ۴- برتر، بهتر (مخفف « أَخِير » [اسم مفرد: خَيْر، جمع أخيار - جمع مؤنث: خَيْرَات] [۵])

در نتیجه هر جا « برکت » باشد « خیر » هست اما عکس آن صادق نیست و به اصطلاح نسبت میان این دو واژه عموم و خصوص مطلق است.

۱-۱-۲-برکت در لغت

کلمه-ی « التَّبَرُّك » به معنی برکت جستن در چیزی است. این کلمه مشتق از « البرَّکه » است، که به معنی برکت، شرافت، و احترام می-باشد. « البرَّکه » بر پایه-ی زیاده (افزایش) سنجیده می-شود بنابراین کسی که تبرک می-جوید، درصدد افزایش یا رشد چیزی است که مثبت تلقی می-شود، مانند مال، ثروت، تندرستی، فرزندان و مانند آن. [۶]

علاوه بر این برکت را فایده-ی ثابت، نمو، سعادت، و بُروک را ثبوت معنی کرده-اند و به خاطر همین مَجْمَع آب را بَرکه گویند که آب در آن ثابت است. [۷] بَرکه نیز به معنای نعمت خدادادی و نعمت فراوان آمده است. [۸] کلمه « مبارکه » به معنای گندم خوشه-دار و میمون معنا شده است و بَرکه نوشیدنی است از نوشیدنی-های صبح و برکت و دعای خیر ترجمه شده است. [۹]

بَرکَ یَبْرُکُ بُرُوکاً بالمکان: در آن جا ماندگار شد و البرَّکه جمع بَرکَ می-باشد و به معنای کیفیت ماندگار شدن یا نحوه-ی خوابیدن شتر و سینه بر زمین گذاشتن آن می-باشد. [۱۰] امام صادق (علیه السلام) واژه-ی « مبارک » را به « نَفَاع » (بسیار سودمند) تفسیر کرده-اند. [۱۱]

۱-۱-۳-برکت در اصطلاح

برکت در اصطلاح را به معنای تداوم، رشد و گسترش « خیر » می باشد.

« مبارک » اسم مفعولی می باشد که از بارک است که متعدی هم استعمال شده و در وصف اشخاص و اشیاء و زمان و مکان به کار می-رود. [۱۲]

« بَرک » اصل « البرَّک » سینه-ی شتر است اگرچه در غیر آن نیز استعمال شده است و به آن « بَرکه » گفته می-شود. بَرک البعیر: شتر هنگام نشستن سینه-اش را به زمین گذاشت. و از این واژه معنای لزوم نیز اعتبار شده است و گفته شده است: اِبْتَرِکُوا فی الحَرْبِ « یعنی در جبهه-ی جنگ ثابت-قدم مانده و جنگیدند. « المُبَارکَ » یعنی هر چیزی که این خیر در آن واقع شده باشد و لذا در مورد قرآن گفته شده «

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ [۱۳] که به خیرات الهیه-ای که بر آن افاضه می-شود اشاره می-کند و از آن جا که رحمت الهی به گونه-ای نامحسوس صادر شده است و از حدّ شمارش فزون است، به هر فزونی غیرقابل درک که از جانب خداوند باشد « مبارک » گویند و در آن برکت وجود دارد. [۱۴]

۱-۲-۱- پدیدآورنده-ی خیر و برکت

منشأ و سرآغاز همه-ی خیرات و برکات در نظام آفرینش، خداوند متعال است و همه-ی آفریده-ها، چه بدانند و چه ندانند، چه بخواهند و چه نخواهند، به اندازه-ی ظرفیت و شایستگی خود از برکات الهی برخوردارند. خداوند در قرآن کریم سوره-ی آل-عمران می-فرماید: « قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » [۱۵]

« بگو: پروردگارا! ای فرمانروای هستی! هر که را خواهی، فرمانروایی می-بخشی و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز می-ستانی و هر که را بخواهی، عزّت می-بخشی و هر که را بخواهی خوار می-سازی. [سررشته-ی] خیر به دست توست؛ همانا تو بر هر کاری توانایی. » غرض این آیه از قرآن این است که خلق عالم و تدبیر آن تنها قائم به خداوند متعال است، و چون مالک ملک اوست به هر که بخواهد عطا می-کند و عزّت می-بخشد و از هر که بخواهد ملک و عزّت را می-گیرد در این آیه خداوند دستور می-دهد برای خلاصی از چیزهای باطلی که در قلب-های منافقین و مشرکین جا گرفته و به وسیله-ی آن به هلاکت رسیده-اند باید به خداوند عالم پناه برد خداوندی که به طور کلی خیر در دست اوست و قدرت مطلقه از آن اوست. تا در التجاه و پناه، آدمی نفس خود را آماده افاضات الهی می-کند از خدایی که مُفِضِ خیر و روزی است کمک می-خواهد. « ملک » به کسره-ی میم یا حقیقی است یا اعتباری. ملک حقیقی این است که مالک بتواند در ملک خود هرگونه تصرفی داشته باشد. در این نوع ملک بین مالک و ملکش یک رابطه-ی حقیقی وجود دارد و قابل تغییر هم نیست و مالک نیاز به ملک خود دارد و از آن بی-نیاز نیست مگر این که ملک از او جدا شود. عالم و همه-ی چیزهایی که در جهان وجود دارند خداوند مالک حقیقی آن-ها می-باشد پس خداوند می-تواند در هر چیزی که بخواهند تصرف کند. اما مالکیت وضعی یا اعتباری این است که مالک (مثل انسان) بتواند در ملکش تصرف کند اما به حسب رابطه-ای که عقلا اجماع کردند و آن-هایی که این نوع مالکیت را به محاذات و برابر مالکیت حقیقی و آثار مترتب بر آن قرار داده-اند به

این دلیل است که به چیزهایی که مورد احتیاجشان است دست یابند. بنابراین به گفته-ی آن-ها در این مالکیت تغییر و تحوّل جایز است یعنی چیزی از ملکیت کسی در آمده و روی همان اعتبارات به ملکیت شخص دیگر در آید. برای خداوند متعال تمام اقسام ثابت است یعنی ذات اقدس او مالک و ملیک موجودات

است در تمامی اقسام مالکیت و علت این که مالکیت حقیقی خداوند است به خاطر این است که خداوند نسبت به تمام اشیاء ربوبیت مطلقه دارد و تمام موجودات به طور کلی قائم به ذات اقدس اوست. اما در آخر آیه که فرموده است: «بِیَدِکَ الْخَیْرُ» اصل در معنای «خیر» انتخاب است، و ما هنگامی به یک شیء «خیر» اطلاق می-کنیم که با آن شیء دیگری که اراده-ی انتخاب یکی از آن دو را داریم مقایسه می-کنیم و از طرفی دیگر هم روشن است که انتخاب یکی از آن دو مراد و مقصد ماست پس آنچه مراد قرار گرفته بالحقیقه «خیر» می-باشد و چنانچه شیء را برای خاطر شیء دیگر اراده کنیم شیء دوم بالحقیقه «خیر» خواهد شد. پس خیر حقیقی آن است که به حسب ذات مطلوب باشد. روشن می-شود که خداوند متعال «خیر علی الاطلاق» است زیرا او تنها کسی است که هر چیزی به او منتهی می-شود و رجوع و بازگشت همگی به سمت او خواهد بود یعنی هر چیزی به ذاته خداوند را طلب و مقصد خویش می-داند. در نتیجه جمله «بِیَدِکَ الْخَیْرُ» جنبه-ی حصری دارد و تمام خیرها منحصر در خداوند متعال است. [۱۶] امام علی (علیه السلام) خداوند را پدیدآورندهی خیر و برکت می-داند و می-فرماید: «- فِی الدُّعَاءِ - : یا مُخْرِجَ النَّبَاتِ یا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ، یا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ، یا جَاعِلَ الْبَرَکَاتِ» [۱۷] امام در ضمن دعا می-فرمایند: «ای رویاننده گیاهان، ای برآورنده-ی نیازها، ای عطاکننده-ی خواسته-ها، ای پدیدآورنده-ی برکت-ها» که ایجاد برکت را به خداوند نسبت داده-اند.

۱-۳-۱- خداوند

خداوند متعال در قرآن کریم به خود نسبت تبارک و زوال-ناپذیر را داده است. خداوند در سوره مؤمنون آیه ۱۴ می-فرماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» [۱۸] «بزرگ و پر برکت است خدایی که بهترین خلق-کنندگان است.» از آن جایی که اصل همه-ی خیر و نیکی-ها و همه-ی برکات به خداوند متعال برمی-گردد در نتیجه نسبت تبارک به خود داده است. از یک سو می-توان عظمت خدا را از عجائب خلقت انسان در مخفیگاه رحم که هر روز شکل و نقش تازه-ای به خود می-گیرد شناخت که گویی جمعیتی نقاش چیره-دست، گروهی صنعتگر و ابداع-گر ماهر در کنار این قطره-ی آب نشسته-اند و شب و روز روی آن کار می-کنند و این ذره ناچیز را در زمان بسیار کوتاهی با ظرافت فوق-العاده از مراحل و گذرگاه-های مختلف حیات می-گذرانند. اگر می-توانستیم از مراحل رشد و نمو جنین به طور کامل فیلم-برداری کنیم و آن-ها را از مقابل چشم بگذرانیم آن-گاه می-فهمیدیم چه شگفتی-ها در این کار نهفته است. هرچند پیشرفت فوق-العاده-ی جنین-شناسی در عصر ما روی این امر بسیاری از مسائل را روشن می-کند و هنگامی که انسان در برابر نتیجه-ی این تحقیقات قرار می-گیرد بی-اختیار جمله «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» را زمزمه می-کند. از سوی دیگر این آفرینش-های پی در پی و اصولاً پیدایش یک انسانی کامل

از یک قطره-ی کوچک آب بیانگر قدرت خداوند بر مسأله معاد و بازگشت انسان به زندگی مجدد است و به این ترتیب با بیان یک دلیل دو هدف انجام شده است. [۱۹] و اما دلیل این که خداوند پر برکت و زوال-ناپذیر است، خداوند در قرآن سوره اعراف آیه ۵۴ می-فرماید: « تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ » [۲۰] « پر برکت و زوال-ناپذیر است خداوندی که پروردگار جهانیان است. » این جمله را بعد از ذکر آفرینش آسمان و زمین و شب و روز و خورشید و ماه و ستارگان و تدبیر جهان هستی فرموده است. به هر نعمتی که

پایدار و بادوام باشد و هر موجودی که دارای عمر طولانی و آثار مستمر و ممتد است موجود «مبارک» یا « پربرکت » گفته می-شود. در نتیجه سرمایه-ی (پر برکت) سرمایه-ای است که به زودی زوال نپذیرد و یک موجود (مبارک)، موجودی است که آثار آن مدت طولانی برقرار بماند، بدیهی است لایق-ترین وجود برای این صفت همان وجود خداست او وجودی است مبارک، ازلی، ابدی و سرچشمه همه-ی برکات و نیکی-ها و خیر مستمر. [۲۱]

همچنین در سوره-ی ملک آیه ۱ خداوند می-فرماید: « تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » [۲۲] « همیشه سودمند و پر برکت است آن-که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر کاری تواناست » در این آیه نیز دلیل مبارک بودن ذات پاک خدا ذکر شده و آن هم حاکمیت و مالکیت او بر جهان و قدرت او بر همه چیز است و به همین دلیل وجودی است زوال-ناپذیر و پر برکت. [۲۳]

۱-۳-۲-قرآن

از جمله چیزهایی که از نگاه خداوند دارای برکت فراوان است قرآن می-باشد. خداوند در سوره-ی انبیاء آیه ۵۰ می-فرماید: « وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ » [۲۴] « و این قرآن را که نازل کردیم پندی پرمفعت است آیا باز هم شما منکر آن هستید. » خداوند در این آیه قرآن را مبارک می-داند چون مایه-ی بیداری و آگاهی و یادآوری شماسست و کانون برکت است و خیر دنیا و آخرت در آن می-باشد و سرچشمه-ی همه-ی پیروزی-ها و خوشبختی-ها است و دلایل حقانیتش در خودش نهفته است و نورانیتش آشکار است و رهروان راهش سعادت‌مند و پیروز هستند. برای این که بدانیم تا چه حد این قرآن موجب آگاهی و مایه-ی برکت است کافی است حال ساکنان جزیره-ی عرب را قبل از نزول قرآن که در جهل و فقر و بدبختی و پراکندگی زندگی می-کردند، با وضعشان بعد از نزول قرآن که اسوه و الگویی برای دیگران شدند در نظر بگیریم. [۲۵]

همچنین خداوند در سوره-ی ص آیه ۲۹ مبارک بودن قرآن را متذکر می-شود و می-فرماید: « كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ » [۲۶] « این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل

کردیم تا آیاتش را تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند. « هدف از نزول این کتاب بزرگ این نبوده که تنها به تلاوت و لقلقه-ی زبان قناعت کنند بلکه هدف این بوده که در آیاتش فکر و اندیشه شود. تعبیر به « مبارک » چنانچه می-دانیم به معنی چیزی است که دارای خیر مستمر و مداوم باشد و این تعبیر در مورد قرآن اشاره به دوام استفاده-ی جامعه انسانی از تعلیمات آن است و چون این کلمه به صورت مطلق به کار رفته هرگونه خیر و سعادت را شامل می-شود خلاصه هر خیر و برکتی در آن هست. [۲۷]

عوامل برکت زا

۲-۱-۱-صله- رحم

صله- ی رحم از جمله اموری است که موجب افزایش رزق و روزی می-گردد و در نعمت-های الهی را به سوی انسان می-گشاید. مردی نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و سخن از اغنیاء و ثروتمندان به میان آورد و درباره-ی آن-ها بدگویی نمود. امام (علیه السلام) فرمودند: « اسکت فان الغنی اذا کان وصولاً لرحمه باراً باخوانه اضعف الله له الاجر ضعفین لان الله يقول « وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ » [۲۸] [۲۹] « خموش باش که به راستی شخص ثروتمند اگر صله-ی رحم او زیاد باشد و به برادران خود نیکی بسیار کند، خداوند پاداشش را دو چندان کند، زیرا خدا می-فرماید: و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند برای آنان در برابر آنچه انجام داده-اند پاداش است. »

همچنین از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که فرمودند: « مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يُوسَعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَصِلْ رَحِمَهُ » [۳۰] « هر کس خوش دارد که عمرش طولانی و روزی-اش فراوان شود، از خدا پروا کند و صلّه-ی رحم نماید. » از حضرت رضا (علیه السلام) نیز نقل شده است: « هر مسلمانی که هر شب صد بار ذکر مبارک و شریف « یا باقی » را تکرار کند خداوند به او طول عمر فرماید. » [۳۱] امام حسین (علیه السلام) نیز به کسانی که از فراخ دستی و عمر زیاد خوشحال می-شوند سفارش می-کند و می-فرماید: « مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ » [۳۲] « هر کس که می-خواهد مرگش به تأخیر افتد و روزیش زیاد شود باید صلّه رحم نماید. »

خداوند در قرآن کریم درباره-ی قطع صلّه-ی رحم می-فرماید: « الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ » [۳۳] « آنان کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آن که محکم بستند می-شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار

سازند قطع می-نمایند، و در زمین فساد می-کنند و قطعاً آنان زیان-کارانند. « به دنبال آیه-ی « وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ » یکصد و ده حدیث درباره-ی اهمیت صله رحم بیان شده است از جمله این که:

۱- با بستگان خود دیدار و رابطه داشته باشید حتی در حدّ نشانیدن آبی باشد.

۲- صله-ی رحم، عمر را زیاد و فقر را دور می-سازد.

۳- به سراغ بستگان بروید هر چند آن-ها بی-اعتنایی می-کنند. [۳۴]

به جرأت می-توان گفت کسانی که با صله-ی رحم سروکار دارند و این صفت اخلاقی را در زندگی خود به کار بسته-اند آثار یاد شده در آیات و روایات را در زندگی خود لمس کرده-اند.

۲-۱-۲- پیوسته با وضو بودن و کامل وضو گرفتن

وضو جزئی از ایمان است، نورانیت و صفای درونی می-آورد، نشاط-آور و کسالت-زدا است، به علاوه نظافت جسم را نیز همراه دارد. وضو کفاره-ی گناهان کوچک است و خوب است انسان در همه حال با وضو باشد و حتی به هنگام خوابیدن هم وضو بگیرد خوابیدن با وضو همچون شب-زنده-داری است. اگر انسان با وضو باشد موجب افزایش عمر و رزق و روزی می-شود لذا در آیات و روایات تأکید فراوان شده است که همواره با وضو باشید و کامل وضو بگیرید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در خطاب به انس می-فرمایند: « یا آنس، أَسْبِغِ الْوُضُوءَ يُزِدْ فِي عُمْرِكَ » [۳۵] « ای انس! وضو را کامل بگیر (به اندازه کافی آب برای شستن اعضای وضو به کار ببر) تا عمرت افزون شود. « خداوند رحمان در قرآن کریم می-فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ... » [۳۶] « ای اهل ایمان! هنگامی که به قصد نماز برخیزید، صورت و دست-هایتان را تا آرنج بشوید و بخشی از سر و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا، مسح کنید... » محدث نوری نقل می-کند: عبدالله بن سلام گوید رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: « هر کس برای هر حدی وضو بگیرد و زیاد با زنان هم-نشینی نکند و سراغ کسب مال حرام نرود، از مال دنیا بی-حساب به او روزی می-رسد. » [۳۷]

۲-۱-۳- سلام دادن به هنگام ورود به خانه

خداوند رحمان در قرآن کریم می-فرماید: « فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً » [۳۸] « هنگامی که وارد خانه-ای شدید بر خویشان سلام کنید که سلام تحیت است از نزد خداوند پر برکت و پاکیزه... ». « تحیت » در اصل از ماده « حیات » است و به معنی دعا کردن برای

سلامتی و حیات دیگری می-باشد؛ خواه این دعا به صورت « سلامّ علیکم » یا «السلام علینا » و یا « حیاک الله » بوده باشد، ولی معمولاً هر نوع اظهار محبتی را که افراد در آغاز ملاقات نسبت به یکدیگر می-کنند « تحیت » می-گویند. منظور از « تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ » این است که تحیت را به نوعی با خدا ارتباط دهند، یعنی منظور از « سلامّ علیکم » این باشد که «سلام خدا بر تو باد » یا « سلامتی تو را از خدا می-خواهم » چرا که از نظر یک فرد موحد، هرگونه دعایی بالاخره به خدا باز می-گردد و از او تقاضا می-شود و طبیعی است دعایی که چنین باشد، هم پر برکت و هم پاکیزه و « طیبه » است. [۳۹]

از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) منقول است کسی که داخل خانه شد بر اهل خانه سلام کند و اگر اهل نداشته باشد و خانه خالی باشد بگوید « السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا » [۴۰] سهل ساعدی می-گوید: مردی نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آمد و از فقر و تنگدستی شکایت کرد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پس از آن به او فرمودند: « هنگامی که به خانه وارد می-شوی اگر کسی در خانه بود سلام کن و اگر کسی نبود سلام کن و یک بار سوره-ی توحید را بخوان. آن مرد این عمل را انجام داد خداوند آنقدر به او عطا کرد که به همسایگانش نیز کمک کرد. » [۴۱] از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز روایت شده که فرمودند: « اِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ الْبَرَكَهَ وَ تَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ » [۴۲] «هرگاه یکی از شما به خانه خود وارد می-شود سلام کند پس باعث نزول برکت و هم-نشینی ملائکه با او می-شود. »

عوامل برکت زدا

۲-۲-۱- گناه

گناه به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاستی و نقصان روزی به شمار می-آید و موجب محرومیت از مواهب الهی می-گردد، چه مواهب مادی و چه نعمت-ها و روزی-های معنوی. از همین رو گناه به عنوان یک مانع بزرگ برای جلب روزی، سخت مورد توجه روایات و سخنان پیشوایان معصوم (علیهم السلام) قرار گرفته است. امام محمدباقر (علیه السلام) می-فرمایند: « إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَتُرْوَى عَنْهُ الرِّزْقُ » [۴۳] « بنده گناهی ورزد و روزی از او دریغ شود. » امام صادق (علیه السلام) در سخنان خود به مفضل، گناه را در برخی اوقات تنها عامل بسته شدن در رزق و روزی دانسته و از تأثیر سریع گناه در زندگی شیعیان خبر می-دهد: « یا مفضل! از گناهان پرهیز کن و شیعیان ما را از آن-ها برحذر دار. به خدا قسم گناهان زودتر از هر کس دیگر به شما تأثیر بردارند، زیرا گاهی آزار و اذیت سلطان به شما در اثر گناهان است، گاهی گناه موجب بیماری می-گردد و گاهی بسته شدن در روزی علتی جز گناهان ندارد. » [۴۴]

شیخ صدوق در حدیثی به نقل از ابوبصیر و محمد بن مسلم آورده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم از جدّم و او از پدرش روایت کرده که امیرالمؤمنان در یک مجلس چهارصد باب را به یاران خود آموخت. در این باب-ها آنچه که به صلاح یک مسلمان در دین و دنیایش می-باشد آمده از آن جمله است: «از گناهان برحذر باشید، زیرا همه بلاها و همچنین کمی روزی در اثر گناه است.» [۴۵] از حدیث-ی بن یمان نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «ای مردم از زنا دوری کنید زیرا شش اثر دارد سه اثر دنیایی و سه اثر آخرتی. آثار بد دنیایی عبارتند از: عظمت و شکوه انسان را از بین می-برد، موجب فقر شده و عمر را کوتاه می-کند.» [۴۶] و در جای دیگر فرمودند: «أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتاً وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا حَزَبٌ وَ لَمْ يَعْمُرْ بِالْبِرِّكَه: الْخِيَانَةُ وَ السَّرِقَةُ، وَ شَرِبُ الْخَمْرِ وَ الزَّنا» [۴۷] «چهار چیز است، که اگر یکی از آن-ها به خانه-ای درآید آن را ویران کند و از برکت آبادان نشود: خیانت، دزدی، شرابخواری، زنا.» از امام علی (علیه السلام) درباره گناه روایت شده که فرمودند: «از گناهان پرهیزید که هیچ بلا و کم شدن روزی نیست، جز به واسطه گناه، حتی خراش-ها و زخم-های بدن و سقوط و افتادن و هر مصیبتی [۴۸]

۲-۲-۲-کم-فروشی و غش در معامله

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «کسی که با مسلمانی در خرید و فروش غشّ کند از ما نیست و روز قیامت با طایفه یهود محشور می-شود؛ زیرا کسی که با مردم غش می-کند مسلمان نیست... کسی که با برادر مسلمانش غش کند، خداوند برکت را از روزی-اش برمی-دارد و معیشت و زندگی-اش را خراب و او را به خودش واگذار می-کند.» [۴۹]

خداوند در قرآن کریم می-رماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» [۵۰] «وای بر کم-فروشان! آنان که چون از مردم می-ستانند پیمانانه را برای خود تمام و به زیادتی می-گیرند، و هرگاه برای مردم ترازو و پیمانانه می-کنند کم می-کنند.»

در تفسیر این آیه آمده است: «کم-فروش آن کسی است که در پیمانانه نمودن و یا وزن و متر کردن چیزی به گونه-ای حقوق دیگران را به سود خویش پایمال می-سازد چنین کسی در خور هشدار و کیفری سخت است که قرآن به او هشدار می-دهد از دیدگاه «زجاج» بدان دلیل به کم-فروش «مطفف» گفته می-شود که در وزن و کیل و متر و سنجش، حق دیگری را اندک اندک می-دزد و نمی-توان یکباره حقوق دیگران را پایمال ساخت.» [۵۱]

۲-۲-۳-فحش و بد دهانی

اسلام در مقابل فحاشی و بددهانی محکم ایستاده است. اولیای الهی تعبیرات عجیبی به کار برده اند. پیامبر خدا (صلی الله وعلیه و آله) فرمودند: «از فحش بپرهیزید زیرا خدای بزرگ انسان فحش دهنده را دوست ندارد» [۵۲]. در تعبیر دیگری فرموده اند که خدا فحش دهنده هرزه گو را دشمن می دارد. پیامبر به عایشه فرمودند که اگر فحش مجسم شود چهره ای خیلی زشت پیدا می کند. فحش دادن هم آثار دنیایی و هم آثار آخرتی دارد. مادر روایات داریم که یکی از آثار دنیایی فحش این است که برکت روزی را از بین می برد. . . پیامبر خدا (صلی الله وعلیه و آله) فرمودند: «کسی که به برادر مسلمانش فحش بدهد خداوند قبرکت رزقش را از او می گیرد و او را به خودش وا می گذارد و معیشت او را از بین می برد» [۵۳]. در مورد آثار آخرتی انسان بددهان جهنم است. پیامبر خدا (صلی الله وعلیه و آله) فرمودند: «بهشت بر هر فحش دهنده حرام است» [۵۴]. و نیز فرمودند «کیفر دو فحاش به آنکه زودتر شروع کرده باز می گردد، چون اگر انجام نمی داد، دیگری هم فحش نمی داد» [۵۵].

نتیجه

برکت در لغت به معنای سینه-ی شتر و به معنای افزایش، نمو، سعادت، خیر و فایده ثابت است و در اصطلاح گسترش خیر می-باشد. در متون اسلامی اسباب معنوی برکت در کنار اسباب مادی آن قرار گرفته-اند از طرفی روایات ما را به عبادت، نماز،... تشویق می-کنند و آن-ها را مبادی و توسعه در زندگی معرفی می-کنند و از طرف دیگر دامداری، کشاورزی، تجارت و کار را پشتوانه و مایه برکت و توسعه می-دانند. برخوردار شدن از برکات بستگی به اعمال و رفتار دریافت-کنندگان دارد. همان-طور که خداوند در سوره-ی اعراف آیه ۹۶ می-فرماید: «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می-گشودیم ولی تکذیب کردند پس به کیفر دستاوردهان آنان را گرفتیم.»

علاوه بر این برکت از جانب خداست و باید نزول آن را تنها از جانب خدا خواست. همان-طور که تقوا و پرهیزگاری و اعمال دیگر موجب ریزش برکات الهی می-شود گناهان می-توانند مانع ریزش برکات الهی شوند و در آخر این که زمانی که می-گوییم عیدتان مبارک یعنی این که از خداوند می-خواهم که این روز را برای شما پر از خیر و مداوم قرار دهد و یا این که می-گویند ازدواجتان مبارک یعنی این که از خداوند متعال می-خواهم که پیوندتان را مایه-ی برکات مادی و معنوی قرار دهد و یا این که این برکات مادی و معنوی را در زندگی-تان قرار دهد و همین-طور درس خواندن و روزی حلال و غیره... و آن هنگام که می-گوییم یک چیز دارای برکت است مثلاً قرآن، شب قدر، یا بعضی روزها که در روایات با برکت شمرده شدند یعنی این که در وجود این چیزها یک خیر مداوم و ماندگار وجود دارد، که آن-ها را نسبت به چیزهای

دیگر متمایز ساخته است. این-شاءالله که توانسته باشم با این پایان-نامه مختصر این بحث قرآنی باعظمت را تا اندازه-ای روشن کرده باشم.

منابع و مأخذ

* قرآن

* نهج- البلاغه

۱. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۱، چاپ ششم، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۸.
۲. رازینی، علی، پژوهشی پیرامون مفردات قرآن، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات سهروردی، ۱۳۸۱.
۳. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه-ی عبدالکریم نیری بروجردی، ج ۳، چاپ بیست و هشتم، قم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴
۴. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶
۵. کریم-خانی، حمزه، نگاهی گذرا به گناهان کبیره، چاپ چهارم، قم، انتشارات عطر یاس، ۱۳۹۱.
۶. کلباسی، محمد، وسعت رزق و روزی در گسترده-ی احادیث و روایات، ترجمه-ی مرتضی نجفی، چاپ سوم، قم، انتشارات افق فردا، ۱۳۷۹.
۷. متین، علی، رزق و روزی از دیدگاه قرآن و حدیث، چاپ اول، قم، انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۵.
۸. محمدی ری شهری، محمد، خیر و برکت از نگاه قرآن و احادیث، ترجمه-ی جواد محدثی، ج ۱، چاپ چهارم، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، چاپ بیست و هشتم، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن-شناسی، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه-ی آموزشی و پژوهشی ۱۱. مجلسی، محمدباقر، حلیه المتقین در آداب و سنن اسلامی و اخلاقی مجلسی، چاپ هشتم، مشهد، انتشارات به نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱. ام خمینی، ۱۳۷۶.
۱۲. هیئت محمد امین، اخلاق اسلامی، ترجمه سید صادق شفائی زاده، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات دارالانصار، ۱۳۸۵

۱۳. وفایی، محمدرضا، دعا‌های شفابخش (مشکل-گشای مشکلات)، چاپ هشتم، قم، انتشارات وفایی،

۱۳۹۱.

منابع و مأخذ عربی

۱. بندرریگی، محمد، فرهنگ بندرریگی عربی به فارسی، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
۲. سیاح، احمد، فرهنگ جامع نوین عربی به فارسی، ج ۱، چاپ نهم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۶.
۳. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه-ی علی کرمی، ج ۱۶، چاپ اول، قم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه-ی محمدباقر گمره-ای، ج ۶، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۹.
۵. لیمن، اولیور، دانش-نامه-ی قرآن کریم، ترجمه-ی محمد حسین وقار، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۱.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۱، چاپ دوم، بیروت - لبنان، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷.
۷. معلوف، لوئیس، فرهنگ المنجد عربی به فارسی، ترجمه-ی محمد بندرریگی، ج ۱، چاپ ششم، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۸۶.